

## اشكال امام بر كلام شيخ انصارى:

«و فيه أنّ دعوى إهمال جميع أدلتها في غاية البعد بل مخالفة للواقع و لظواهر الأدلة، كما أنّ دعوى الانصراف في الجميع كذلك، و لا يمكن إثباتها سيّما بعد كون متعلّق الأحكام في باب المطلقات نفس الطّبائع من غير نظر إلى أفرادها فضلا عن مزاحماتها. فالحكم إن تعلّق بطبيعة كالغناء أو الرثاء أو القراءة و لم يقيد الموضوع بقيد مع تماميّة مقدمات الحكمة يكون مطلقا أعنى أنّ الطبيعة بلا قيد موضوعه، فلا تكون الأفراد بما هي موضوع الحكم فيها، و لا ينقدح في ذهن السامع أفراد نفس الطبيعة و لا أفراد طبيعة أخرى أو عنوانها حتّى يقال: ينصرف الحكم أو الموضوع إلى أفراد خاصّ أو صنف خاصّ من الطبيعة فضلا عن الأفراد الغير المزاحمة لخصوص حكم آخر.

نعم، ربّما يتفق أنّ تكون الطبيعة مقارنة بحسب الوجود لشيء توجب أنس الذهن أو تكون أفرادها من حيث الكثرة و المعهودة بوجه موجب للانصراف، و لكن في مثل المقام لا وجه معتمد لدعواه.

و يتلوها في الضعف دعوى كون الاستحباب حكما حيثيّا في جميع الموارد، ضرورة أنّ الظاهر من كثير من الأدلة فعليّة الحكم.

و أمّا قضية تزاحم المقتضيات ففرع عدم سقوط الأدلة بالتعارض و إنّما فلا طريق لإثبات المقتضى.»<sup>١</sup>



١. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ١، ص ٣٣٢.



## توضیح:

۱. این ادعا که همه ادله مستحبات، مهمل باشد و مطلق نباشد، (احتمال دوم از تقریر اول)، بسیار بعید است. بلکه می توان گفت اهمال ادله خلاف واقع است و خلاف ظاهر ادله مستحبات است.
۲. هم چنین ادعای انصراف (احتمال اول از تقریر اول) هم بعید، بلکه خلاف ظاهر است.
۳. به خصوص اینکه گفته ایم، متعلق احکام، طبیعت است و نه افراد و لذا وقتی گفته می شود «مرثیه مستحب است» مراد ماهیت آن است و اصلاً شارع توجه به افراد این ماهیت یا ماهیت دیگر (غنا) ندارد تا بگوئیم منصرف به برخی «افراد مرثیه» است.
۴. البته انصراف در برخی از عناوین ممکن است ولی در مانحن فیه چنین نیست.
۵. هم چنین ادعای حکم حیثی (تقریر دوم) هم ضعیف است، چراکه ظاهر ادله مستحبات فعلیت است (و نه حکم حیثی)
۶. اما تقریر سوم (اینکه بگوئیم رابطه ادله مستحبات و ادله محرّمات، تزامم است و نه تعارض و چون ملاک در محرّمات اقوی می باشد، محرّمات مقدّم می شوند) مبتنی بر این است که بگوئیم رابطه آنها تعارض نیست و الا اگر تعارض را بپذیریم، دلیل مستحبات در «فرض اجتماع» از حجیت ساقط می شود و لذا در فرض اجتماع، دارای ملاک نیست تا بگوئیم ملاک طرف مقابل اقوی است.

